

۱۶ آذر - روز دانشجو

خصلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک جنبش دانشجویی در ایران همیشه مایه نگرانی ارتجاع ایران و امپریالیسم پشتیبان وی بوده و نفرت و کینه آنها را نسبت به این جنبش برانگیخته است. حتی در دوران ملی شدن صنایع نفت، که نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و از جمله جنبش دانشجویی در آن خود بود، آن نیرو-ها با ارتجاعی، نه علیه حکومت دئترمصدق هم به تحریک و توطئه مشغول بودند، بارها به دانشگاه تهران هجوم بردند و از هیچگونه تحریک و توطئه ای برای سرکوب جنبش دانشجویی و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران کوتاهی نکردند.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فرصت مناسبی برای ارتجاع و امپریالیسم بود که از دانشجویان مبارز ایران انتقام بگیرند و آرزوی دیرینه خود را با سرکوب جنبش دانشجویان ایرانی و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران عملی سازند.

بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد از دانشجویانی که نامشان در لیست سیاه بود توقیف و یا از دانشگاه اخراج شدند. ولی این قبیل تزییقات و اعمال فشارها هنوز خشم و نفرت و کینه ارتجاع را تسکین نمیداد، بویژه آنکه دانشجویان از همان فردای کودتا، این توطئه امپریالیستی و ارتجاعی را محکوم کردند و به مبارزه علیه آن برخاستند. از جمله دانشجویان دانشگاه تهران با تعطیل دانشگاه و شرکت در تظاهرات ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۲ مردم تهران علیه حکومت کودتا، از یکطرف همبستگی و پیوند خود را با مردم نشان دادند و از طرف دیگر باز هر خشم و کینه کودتاچیان افزودند، تا جائیکه شعبان جعفری، معروف به شعبان بی مخ یا شعبان تاج بخش، سردسته چاقوکشان درباری، که در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشت، روز ۲۱ آبان ماه به دانشگاه رفت و آشکارا در حضور استادان و دانشجویان گفت: "در این طویل را ببندید."

ولی مبارزه ادامه یافت. حکومت کودتا در کار پایمال کردن تمام دستاوردهای جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بود و مردم ایران نیز از هر فرصت و امکانی برای دفاع از این دستاوردها و اعتراض به خیانتها استفاده میکردند. یکی از این موارد، اعتراض به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با انگلستان و دعوت ریچارد نیکسن معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا (رئیس جمهوری کنونی) به ایران بود. دانشجویان دانشگاه تهران در این اعتراضات، که بویژه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، روز ورود نیکسن به تهران تظاهرات کردند، شرکت فعال داشتند.

کودتاچیان برای جلوگیری از این تظاهرات اعتراضی و وارد کردن ضربت قطعی به جنبش دانشجویی دست بکار شدند. نظامیان که دانشگاه را اشغال کرده بودند برای دستگیری و دزدن از دانشجویان سال دوم رشته ساختمان دانشکده فنی مستقیماً به کلاس درس رفتند. این گستاخی بیسابقه مورد اعتراض استاد مربوطه قرار گرفت. ولی

نظامیان استاد و دانشجویان را با مسلسل تهدید کردند. در نتیجه استاد و دانشجویان کلاس درس را به علامت اعتراض ترك گفتند. رئیس دانشکده فنی نیز بمحض اطلاع از این عمل گستاخانه نظامیان، که هم با استقلال دانشگاه و هم با حرمت دانشگاه، مبیانت داشت، تعطیل دانشکده را اعلام کرد. خشم جوشانی سراسر دانشکده فنی را فرا گرفته بود. غریب دوست نظامیان از دانشگاه کوتاه در قضاطنین افکند. در این هنگام نظامیان بیرحمانه و بی پروا رگبار مسلسل را بروی دانشجویان بی سلاح، که گناهی جز دفاع از استقلال و آزادی میهن خود نداشتند، گشودند. در نتیجه سه تن از دانشجویان میهن پرست و مبارز: مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی بضرع گلوله از پای درآمدند، عده ای زخمی شدند و عده کثیری روانه زندان گردیدند.

بد نیال این جنایت کودتاجیان، بعد از ظهر ۱۶ آذر دانشگاه تعطیل شد و روز ۱۷ آذر اعتصاب همگانی اعلام گردید. روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر تظاهرات اعتراضی علیه تجدید روابط و پهلما تیک بانگلستان و ورود نیکسن و تظاهرات همدردی با شهیدای جوان دانشگاه، اکثر دبیرستانهای تهران را نیز فرا گرفت. خشم و اعتراض نسبت به جنایت کودتاجیان در دانشگاه تهران چنان شدید و همگانی شد که حکومت کودتا مجبور گردید از عمل نظامیان "امیراندامت" کند و از خانواده های شهیدان "دلجویی" نماید. ولی بخشنامه رکن ۲ لشکر ۲ زهی، که حاکی از اعطاء "پاداش نقدی" به نظامیان در "خیم" و "تشویق" آنها بود، چهره سبع و ریاکار کودتاجیان را نشان داد. متن این بخشنامه، که نخستین بار در روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران، مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۳۲ بچاپ رسید، بقرار زیر بود:

بخشنامه

خیلی فوری

لشکر ۲ زهی - رکن ۲

۲۱۲۲-۲۲۹۶۲۴

بکلیه واحد ها و دوایر تابعه لشکر در باره تشویق افسران و درجه داران و افراد دسته جانباز

بفرموده در اثر جدیت و فعالیت که از افسران و درجه داران و سربازان دسته جانباز در ماه موریت دانشگاه تهران در روز و شنبه ۱۶ ماه جاری مشاهده گردید گروهی بانان مربوطه کلیه بدریافت پاداش نقدی مفتخر و ضمناً از تاریخ ۱۶/۱۲/۳۲ سه نفر از درجه داران مشروحه زیر دسته مزبور بد رجه گروهیان دومی و چهار نفر سربازان زیرین نیز بد رجه سرجوخگی و وظیفه مفتخر میشوند. فرماندهان مراتب را بکلیه افسران و درجه داران و سربازان ابواب جمعی گوشزد و تذکره دهند همواره خدمات وجدیت و فعالیت افسران و درجه داران و سربازان منظر بوده و بموقع تشویق خواهند شد. بکارگزینی و رکن یکم لشکر دستور داده شد برای درج در دستور لشگری و انعکاس روی پرونده خدمتی افسر و درجه داران و سربازان مزبور اقدامات لازم را معمول و نتیجه را ابواحد مربوطه ابلاغ نمایند.

رئیس رکن دوم لشکر زهی
سرگرد تویخانه علی غفوری

رئیس ستاد لشکر ۲ زهی
سرهنگ ستاد علی محمد روحانی

مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی که عضو سازمان جوانان توده ایران بودند و احمد قندچی که از هواداران جبهه ملی و دکتر مصدق بود (**) با خون خود نشان دادند که دانشجویان میهن پرست و مبارزان ایران فرزندان مردمی هستند که تا پای جان برضد امپریالیسم و ارتجاع و مخاطر صلح و آزادی و استقلال و عدالت پیکار میکنند. آنها نشان دادند که یکی از شرایط اصلی پیروزی این پیکار شوار با دشمنان غدار اتحاد نیروهای میهن پرست و ضد امپریالیست است. ۱۶ آذر، روز شهادت سه دانشجوی میهن پرست و مبارز، از آن زمان به روز دانشجو، به مظهر مبارزه متحد دانشجویان ایرانی برای صلح و آزادی و استقلال و عدالت مبدل شده است.

در بنیادیه ای که کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران بمناسبت حادثه خونین ۱۶ آذر ۱۳۳۲ انتشار داد، از جمله چنین گفته میشود:

" کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران نسل جوان رابه ثمرات گرانبهای وحدت عمل جوانان، صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی، که در تظاهرات ضد استعماری چند روز اخیر ببار آمده، متوجه میسازد و تعمیم و تقویت آنرا بجمعه جوانان توصیه میکند. در سایه اتحاد و همکاری صادقانه، جوانان میهن پرست ایرانی خواهند توانست نقش مهمی در دفاع از صلح و استقلال ملی ایفا نمایند."

و کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ای بهمین مناسبت خطاب به دانشجویان گفت:

" بپاخیزید و پیکار کنید. در مبارزه با دشمنان از ملت خود و سایر خلقهای جهان، که برای تائید آزادی و استقلال خود پیکار کرده و در پیکارند، الهام بگیرید. با کار توضیحی خود هر چه بیشتر آن عده از دوستان خود را که هنوز بمیدان مبارزه قدم نگذاشته اند با خود به میدان بکشید. به آنها توضیح دهید که در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی هیچگونه اختلاف نظر سیاسی و اجتماعی نمیتواند مانع همکاری مبارزان این راه پرافتخار گردد و این همان اصل مقدسی است که مایه اصلی جبهه واحد ملی ضد استعمار را تشکیل میدهد. وظیفه شماست که هر چه بیشتر مبارزه خود را با مبارزه همه ملت ایران تطبیق داده و در راه تشکیل جبهه واحد آزاده این نیروهای ملی جد و جهد نمائید. کمیته مرکزی حزب توده ایران بشما درود میفرستد و اطمینان دارد که شما هر روز بیشتر مبارزه خود را همگام با مبارزه عمومی همه نیروهای ضد استعماری کشور ما توسعه خواهید بخشید. سرانجام این مبارزه تنها با پیروزی ملت ما خاتمه خواهد یافت."

آنچه که حزب ما در ۱۹ سال پیش به دانشجویان میهن پرست و مبارز توصیه کرده، هنوز به صحت و اعتبار خود باقیست. تجربه مبارزه دانشجویان ایران نیز طی این دوران پرفراز و نشیب صحت مشی حزب ما را تایید کرده و نشان داده است که جز با مبارزه متحد همه نیروهای ضد امپریالیست و دیکتاتور، که بر پایه مشی اصولی و صحیح استوار باشد، آزادی میهن ما از زیر نفوذ امپریالیسم و ارتجاع ممکن نیست. حزب ما همچنان مانند گذشته از هیچگونه بذل مساعی در این راه دریغ نخواهد کرد.

م. روشندل

(*) شایان ذکر است که در پیکار شماره ۳ سال اول، در مقاله "گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر"، از بزرگ نیا و قندچی بنام عضو حزب توده ایران و از شریعت رضوی بنام عضو جبهه ملی یاد شده است. این اشتباه با پوزش از خوانندگان بدینوسیله تصحیح میگردد.